

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۹۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

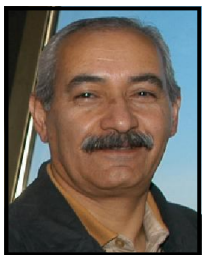
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲ آذر ۱۳۹۰، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

تهدیدات جنگی و تحرک جریانات ناسیونالیست کرد مصاحبه حسام یوسفی با عبدال گلپریان



حسام یوسفی: این روزها مسئله تهدیدات جنگی آمریکا در قبال ایران در صدر خبرها است و احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد چنین حمله ای از سوی آمریکا به ایران را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با شور و اشتیاق زیادی دنبال می کنند. چرا اینها برای سرنگونی رژیم تنها از کانال حمله نظامی آمریکا به ایران امید بسته اند؟ آیا بهتر این نیست که به جای امید بستن به حمله نظامی آمریکا از مبارزات مردم در

کردستان و سراسر ایران علیه رژیم اسلامی حمایت کنند؟ بر بستر حمله نظامی چه نفعی عایدشان می شود؟
صفحه ۵

مسئله ملی در ایران، بررسی تحولات اخیر آذربایجان

میکنم به آقای ضیا صدرالشرفی گرامی و مینا احدی عزیز که جزو پانلیستهای این جلسه هستند. ضمنا دست گردانندگان این جلسه هم درد نکنند که این فرصت را فراهم کرده اند. من سعی میکنم بحثم را در کمتر از ۲۰ دقیقه به اتمام برسانم و خطوط اصلی را به عنوان آغاز بحث مطرح کنم.
صفحه ۲

متن سخنرانی محسن ابراهیمی در جلسه پالتاک
مقدمه

دوستان گرامی خیلی خوش آمدید به جلسه امروز و باتشکر از اینکه امروز وقتتان را به این بحث اختصاص دادید. امیدوارم با دخالت فعال همه امروز بحث خوبی داشته باشیم. ضمنا سلام



محسن ابراهیمی

جنبش دفاع از علیا ماجده المهدی در سراسر جهان او به قلب جنبش اسلامی حمله کرده است! مینا احدی / مریم نمازی

طرفداران خجول جنبش اسلامی زده است. يك سازمان اسلامی در مصر خواهان اجرای "حد شرعی" یا کشتن علیا به شیوه اسلامی شده است و از مقامات مصری خواهان عکس العمل و مجازات علیا و دوست پسر او کریم عامر شده اند.
صفحه ۷

را در معرض دید عموم قرار دهد، بزرگترین تابوها را شکسته است. علیا ماجده المهدی يك دانشجوی آزاده مصری است. او با انتشارعکسهای برهنه خود در ویلاکش، به قلب جنبش اسلامی، به قلب تحجر و مردسالاری و به قلب

زن در این جنبش و در فرهنگ مردسالارانه اسلامی، برده جنسی مردان است. تن او متعلق به مردان است و باید در پستوی خانه و در حجاب و چادر و برقع پیچیده شود. زن حق تملک بر تن و بدن خود را ندارد و اگر اعلام کند که قوانین را قبول ندارد و بویژه اگر تن لخت خود

انگشت اتهام بسوی جمهوری اسلامی ایران است! سو قصد به جان رفیق تقی نویسنده آذربایجانی منتقد اسلام!

و يك نویسنده آذربایجانی است که در سال ۲۰۰۶ در روزنامه صنعت مقاله ای نوشت به نام "ما و اروپا" و در این مقاله به مذهب اسلام انتقاد کرد. این مقاله بلافاصله با اعتراض عناصر و عوامل حکومت اسلامی روبرو شد و در روستای نارداران در آذربایجان تعدادی دست به اعتراض و تظاهرات زده و مقامات حکومت اسلامی از این تظاهراتها دفاع کرده و خواهان دستگیری رفیق تقی شدند. در ادامه این تشیبات آیت الله فاضل لنکرانی فتوای قتل رفیق تقی را به اتهام توهین به اسلام صادر کرد و



روز ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱ رفیق تقی نویسنده آذربایجانی با ضربات چاقو بشدت زخمی شد. او اکنون در يك بیمارستان در باکو بستری است. برادر رفیق تقی، ایلقار در يك مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که از نظر او سو قصد توسط عوامل جمهوری اسلامی انجام گرفته است. اما این امر در حال بررسی است. رفیق تقی پزشک بیمارهای قلبی

صفحه ۴

قابل توجه عموم! کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران برگزار میشود

وضعیت جسمی رضا شهابی وخیم است رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود صفحه ۳

دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی در تبریز احکام صادر شده برای فعالین کارگری و دانشجویی تبریز را تایید کرد صفحه ۴

اخبار هفته

در صفحه ۶

گزارشی از وضعیت کارخانه مواد شوینده و بهداشتی اشک و کارگران آن در سندهج اعتصاب کارگران شرکت پرهون طرح کارگران شرکت پرهون طرح، فعالیت شرکت را به طور کلی متوقف کردند پانزده نفر از کارگران شرکت پرهون طرح اخراج شدند

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مسئله ملی در ایران ...

روشن است که این جلسه با هدف بحث به خاطر بحث برگزار نشده است. ما امروز در باره یکی از مهمترین جلوه های نابرابری و تبعیض و ستم صحبت میکنیم که همیشه و مشخصا در دو دهه اخیر زندگی میلیونها انسان را در سطح جهان تحت تاثیر قرار داده است. لازم نیست در تاریخ غور و تفحص کنیم تا به این حقیقت تلخ و رنج آور واقف شویم که چگونه زندگی میلیونها انسان به نام میهن و ملت و پرچم و نژاد و قوم و هویت ملی و غیره زیر پاها له شده است. خود ماها شاهدان زنده تراژدی خونینی به نام یوگسلاوی بودیم و دیدیم که چگونه همسایگانی که تا همین دیروز یادشان رفته بود که اجدادشان به چه قومی تعلق داشتند و در غم و شادی هم شریک بودند، کودکانی که تا دیروز همبازی بودند، هم مدرسه ای بودند با چه قساوتی توسط شبه نظامیان صرب و کروات و غیره قتل عام شدند و جنازه هایشان بعدا در گورهای دسته جمعی پیدا شد. و البته همه ظاهرا داشتند پرچم پرافتخار و مقدس ملت خودشان را روی دریایی از خون ملت مقابل به اهتزاز در میاوردند. میگویم ظاهرا چون میدانیم که پشت اغلب این تحریکات ملی و قومی، منافع واقعی و اقتصادی و سیاسی باندهایی در کار بود که معمولاً بعد از استقلال بساط چاپیدن همان ملت خودی را برپا کردند.

تا آنجا که به تیتتر جلسه مربوط است سئوالات محوری اینها هستند: ۱. آیا در ایران ستم ملی هست؟ ۲. اگر هست زمینه و عللش چه ها هستند؟ ۳. راه را شدن از این ستم ملی چیست؟

اجازه بدهید به دو سؤال اول و دوم یکجا بپردازم به این دلیل که وجود ستم ملی فقط میتواند از طرف ایدئولوگهای فاشیست بازمانده از نظام سلطنتی و وارثین اسلامیشان در حکومت اسلامی انکار شود و نیازی به بحث مفصل ندارد. اینها حافظان سیاسی يك نظام طبقاتی بوده اند و هستند که تبعیض علیه انسانها

در اشکال متنوع جزوی جدانشدنی از ساختارشان است. تبعیض در اشکال مختلف اکسیژن سیاسی این نظامهای طبقاتی است و معلوم است که باید هم ستم ملی را دامن بزنند و هم وجودش را انکار کنند. برای مردمی که چهره کریه ستم ملی را در هر لحظه از زندگی شان با پوست و گوشت احساس میکنند نیازی به اثبات وجود ستم ملی نیست.

ستم طبقاتی، ستم ملی

میدانیم که تبعیض طبقاتی بینادی ترین و دائمی ترین تبعیض در يك جامعه سرمایه داری است. این حقیقت که اکثریت این جامعه، اینجا اکثریت عظیم مردم ایران که در چارچوب آن به اصطلاح گریه مقدس زندگی میکنند، همه ثروت و رفاه و آسایش جامعه را خلق میکنند اما سهمشان فقط بخش ناچیزی از محصول ساخته دست خودشان است تا زنده بمانند و مجددا بتوانند وارد دور جدید خدمت به وطن یعنی همان تولید ثروت برای اقلیت مفتخور شوند. اگر هم به همین تبعیض اعتراض کنند کارشان با ساواک و ساواما می افتد که ظاهرا پاسداران وطن و ملت و ملیت و تمامیت ارضی و پرچم مقدس و غیره هستند. غالب است که يك بخش این اکثریت عظیم در آذربایجان هستند و به زبان ترکی حرف میزنند؛ يك بخش در خوزستان هستند و به زبان عربی تکلم میکنند؛ يك بخش، در شیراز و فارس و یزد هستند که به زبان فارسی حرف میزنند و همچنین سایر نقاط ایران. همچنانکه يك بخش همان اقلیت طبقه حاکم در تبریز و ارومیه و اردبیل هستند و ترکی صحبت میکنند و بخش دیگرش در جاهای مختلف ایران که به عربی و لری و فارسی و غیره تکلم میکنند. به این معنا ستم طبقاتی يك ستم پایه ای است که فراتر از مرزها و پرچمها و انواع و اقسام هویتهاست و دارد همه روزه زندگی میلیونها انسان "ترك و فارس و عرب و بلوچ و ترکمن و گیلک" و غیره را له میکند و

نابود میکند.

فورا این سؤال پیش میاید که پس دیگر هیچ تبعیض و ستم دیگری غیر از ستم طبقاتی در جامعه نیست؟ روشن است که جواب منفی است. طبقات حاکم فقط با دار و اعدام و شکنجه نمیتوانند این وضعیت نابرابر را حفظ کنند. به ایدئولوژی نیاز دارند، به مذهب نیاز دارند، به فرهنگ نیاز دارند، به تحریک هیجانانگ ملی و قومی نیاز دارند. برای این کار نیاز دارند این جامعه را به هر شکل و به هر بهانه ای تقسیم کنند و تحقیر کنند و له کنند و سرزیر نگه دارند. نیاز دارند که اتحاد طبقاتی کارگر ترك و فارس و عرب و بلوچ و ترکمن و لر و غیره را در هم بشکنند. نیاز دارند بخشهای مختلف این طبقه را يك بار به عنوان کارگر استعمار کنند و له کنند و بار دیگر به عنوان زن و بار دیگر به عنوان ترك و لر و عرب و بلوچ و غیره.

روشن است که ستم ملی يك مسئله واقعی است. اما ستم فارسهای ایران یعنی طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر فارس علیه کارگران و سرمایه داران ترك نیست. ستم سرمایه داری ایران به سرکردگی رضاشاه و محمد رضاشاه و خامنه ای علیه بخشی از جامعه در ایران بوده و هست. ایدئولوژی رسمی این ستم در ایران ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی است که قبلا در نظام سلطنتی تبلور پیدا کرده بود و امروز بخشهایی از اپوزیسیون سلطنت طلب به شیپورش دمند و همین الان حتی بخشی از حکومت اسلامی هم از آن به عنوان ابزار سیاسی استفاده میکنند.

اهمیت مبارزه با ستم ملی

نمیتوان به خاطر اهمیت بنیادی ستم طبقاتی در جامعه سرمایه داری گفت که خوب پس دیگر تبعیض ملی مهم نیست و باید نظام طبقاتی را زیر و رو کرد و بقیه تبعیضها خود بخود رفع میشوند و خیال خود را راحت کرد. این در يك نگاه تاریخی تر درست است به این معنا که تا زمانی که جامعه طبقاتی است انواع تبعیضها را این نظام در

**قابل توجه عموم!
کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری
ایران برگزار میشود****قابل توجه عموم!**

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در ماه فوریه ۲۰۱۲ در یکی از کشورهای اروپائی برگزار میشود. شرکت در کنگره برای عموم آزاد است. چنانچه مایل به شرکت در کنگره هستید، برای ثبت نام با آدرس زیر تماس بگیرید.

Congress8@gmail.com

قابل توجه اعضای حزب کمونیست کارگری ایران!

هشتمین کنگره حزب در فوریه ۲۰۱۲ (اسفند ۹۰) در یکی از کشورهای اروپائی برگزار میشود. در این مورد، توجه شما را به دو نکته زیر جلب میکنیم:

۱- برای اطلاع از نحوه شرکت در انتخابات مربوط به کنگره، با کمیته و مسئول واحد خود و یا آدرس های زیر هر چه زودتر تماس بگیرید.

۲- در صورتیکه برای انتخابات مرحله سراسری کاندید هستید، لطفا تا تاریخ ۳۰ نوامبر (۹ آذر) از طریق مراجعه به مسئول واحد خود و یا مستقیما با آدرس و تلفن زیر، اطلاع دهید تا نام شما در لیست کاندیداهای نمایندگی مرحله سراسری وارد شود.

مسئول انتخابات کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران

خلیل کیوان

Congress8@gmail.com

00460704158999



اشکال جدید تولید و بازتولید میکند. مثال مذهب يك نمونه است. مذهب مخلوق نظام سرمایه داری نیست و اصلا انقلاب بورژوازی فرانسه بیشترین ضربه را به مذهب زد اما در انتهای قرن بیست، در جریان انقلاب ۵۷، سرمایه داری جهانی تشخیص داد لازم است در مقابل چپ گرایی در منطقه مذهب را در قالب اسلام خمینی دوباره میداندار کند. اگر میخواهیم از دست مذهب کاملا رها شویم باید آن نظام و آن زمینه

از صفحه ۲ مسئله ملی در ایران ...

تبعیض بخشی از مبارزه علیه نظام طبقاتی است.

در نتیجه سؤال این نیست که آیا باید برای رفع ستم ملی تا تعیین تکلیف طبقات در جامعه صبر کرد. سؤال این است که راه موثر مبارزه علیه این ستم چیست؟

ناسیونالیسم عظمت طلب، ناسیونالیسم قومی، دو روی یک سکه

قبل از هر چیز باید تاکید کرد که با هیچ ستمی نمیتوان با مفروضات همان ستم مبارزه کرد. برای مثال، نمیتوان ستم تاریخی علیه زن را با اعلام برتری زنان به مردان از بین برد. نمیتوان ستم تاریخی علیه سیاهان را با اعلام برتری نژاد سیاه پوست علیه نژاد سفید پوست پیش برد. نمیتوان ستم علیه مذهب یهود را با اعلام برتری قوم یهود از بین برد. نمیتوان ستم علیه مردم عرب زبان یا ترک زبان را با اعلام برتری "قوم عرب یا ترک" از میان برد. و در کل نمیتوان علیه ستم ملی با اعلام برتری ملی مبارزه کرد. کسانی که ادعا میکنند خلیج فارس همیشه فارس بوده است، تفاوتی ندارند با کسانی که الان میگویند اسم این خلیج اصلا خلیج کنگر بوده است که به قومی ترک زبان به همین نام در هزاران سال پیش برمیگردد که گویا در بین النهرین زندگی میکرده اند. نمیتوان با فاشیسم آریایی با توسل به اینکه نسل ما از شیر یا گرگ است مبارزه کرد.

ناسیونالیسم عظمت طلب و ناسیونالیسمی که سعی میکند به عنوان نماینده ملت تحت ستم ظاهر شود، در یک کارا کتر سیاسی بسیار شبیه هم هستند.

اولی ملت و قومی را برتر اعلام میکند و به نمایندگی از آن ملت و قوم به اصطلاح برتر ستم به میولونها انسان دیگر را توجیه و تشویق میکند و دومی روی آرزوها و خواسته های انسانی همان میولونها انسان تحت ستم سوار میشود و به نمایندگی از آنها مبارزه انسانی همانها را تحریف میکند. هر دو انسانها را از هویت و خواسته انسانیشان تهی میکنند، از خودشان و از

این جنبشی علیه فقر و فلاکتی بود که در ورطه اش کارگر آذربایجان، دقیقا مثل کارگر اصفهان و مشهد و اهواز - غوطه ور است. این جنبشی برای رها کردن دختران و زنان آذربایجان از ستم ۳۲ ساله ای است که نمونه اش را فقط در قرون وسطی میتوان یافت و دختران و زنان تهران و اراک و شیراز و مشهد و غیره هم عینا از آن رنج میبرند. این اعتراض علیه خفقان اسلامی بود. و به این معنا این جنبش در کنار جنبش سراسری مردم ایران در سال ۸۸ بود. بی دلیل نیست که مردم علیه حکومت شعار دادند و با نیروهای سرکوب حکومت اسلامی درگیر شدند.

ناسیونالیسم قوم پرست آذری چه کار کرد؟ تلاش مذبحخانه ای کرد محتوای ضد رژیم این اعتراض را خفیف کند و رنگ ملی ضد فارس به آن بزند. مردم با اوباش سپاه و بسیج اسلامی در همان تبریز و ارومیه و اردبیل مصاف کردند و گونا گز تی وی گفت که مردم سرکوبگران از مناطق فارس نشین وارد شده اند. مردم با دستگاه سرکوب حکومت درگیر شدند و قوم پرستان آخوندها و سپاه و بسیج ترک زبان را برادر مردم خطاب کردند. مردم گفتند "ارومو گولو جان ویریر، مجلس اونون قتلینه فرمان ویریر" (دریاچه ارومیه جان میدهد، مجلس به قتلش فرمان میدهد)، گونا گز تی وی گفت نه خیر شعار ما این است که "ارومو گولو جان ویریر، فارسلا انون قتلینه فرمان ویریر" (دریاچه ارومیه جان میدهد و فارسها به قتلش فرمان میدهند). این بسیار گویاست. واقعا تلویزیونی که ریگی به کفش نداشته باشد میتواند تلاش کند شعار صریحا ضد رژیمی مردم را به شعار علیه فارسها تبدیل کند؟ شعارهای ضد رژیمی مردم فوراً میتوانست احساس همبستگی آن میلیونها انسانی که در سال ۸۸ به خیابانها ریختند را جلب کند در حالیکه شعارهای ناسیونالیستهای قوم پرست علنا تلاشی برای جدایی انداختن میان مبارزه سراسری مردم ایران بود. جالب است که در این مورد

وضعیت جسمی رضا شهابی وخیم است رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود



بنا به خبر منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد، رضا شهابی روز ۲۹ آبان به کلینیک شهید عراقی اعزام شد و دکتر پیمان گودرزی پس از معاینه و بررسی آزمایشاتی که قبل تر انجام شده بود، اعلام کرد که غضروف بین مهره های ستون فقرات او از بین رفته و این مهره ها

بر روی عصب فشار وارد میکنند و احتمال پاره شدن اعصاب و در نتیجه از کار افتادن دست و پای چپ رضا بسیار زیاد است. بر همین اساس دکتر دستور داده است تا او به صورت ارژانسی در بیمارستان بقیه الله بستری و مورد جراحی قرار گیرد. از سوی پزشکان طول مدت درمان برای این عمل حدود ۶ ماه اعلام شده است. رضا شهابی در تماسی با خانواده خود گفته است: "با توجه به وضعیت وخیم جسمانی و درد شدید در ناحیه ستون فقرات، کمر، گردن و دست و مشکلات کلیه و قلب، اگر به سرعت به وضعیت من رسیدگی نشود از ابتدای آذرماه دست به اعتصاب غذا خواهم زد و تا روشن شدن تکلیفم به آن ادامه خواهم داد." خانواده و آشنایان رضا با توجه به وضعیت وخیم وی و عوارض خطرناکی که اعتصاب در این شرایط جسمانی به دنبال دارد، تلاش کردند تا او را از اعتصاب غذا منصرف کنند.

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد است که از تاریخ ۲۲ خرداد ۸۸ بلاتکلیف در زندان اوین به سر می برد. جانبان اسلامی در قبال جان رضا و سلامت او مسئولند. باید وسیعا به این جنایت آشکار جمهوری اسلامی در قبال رضا شهابی اعتراض کرد. وضعیت رضا شهابی اضطراری است. باید با اعتراض گسترده خود نگذاریم که او ناگزیر به اعتصاب غذا و بدتر شدن وضعیت جسمانی اش شود.

رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود.

علاوه بر رضا شهابی، ابراهیم مددی از کارگران شرکت واحد، بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری، علی نجاتی عضو سندیکای نیشکر هفت تپه و رسول بدایغی عضو کانون صنفی معلمان در زندان است. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۳۰ آبان ۱۳۹۰، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱

یعنی برخورد به رژیم اسلامی هم، ناسیونالیسم عظمت طلب آریایی و ناسیونالیسم قوم پرست دو روی یک سکه هستند. به خاطر بیاورید که وقتی صحبت حمله نظامی به مراکز اتمی ایران شد داریوش همایون به نمایندگی از طیفی از همین ناسیونالیستها علنا گفت باید برای حفظ تمامیت ارضی مقدس در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفت.

من در چهره مردم آذربایجان، سیمای جوانان و زنان و مردان میدان تحریر در مصر را می بینم که باشعار نان و آزادی و

حرمات انسانی تحسین جهانیان را برانگیختند. سیمای زنان و مردان در سال ۸۸ با یک رژیم تا دندان مسلح شجاعانه جنگیدند. در مقابل در چهره کسانی که امروز در تلویزیونها ظاهرا به نفع مردم ترک زبان حرف میزنند و مبارزه ضد رژیمی مردم را با این تبلیغات تهوع آور که ما فارسها را تا کرمان و یزد دنبال خواهیم کرد مخدوش میکنند، سیمای جنایتکارانی مثل میلوسویچها، کارادیکچها، آرکانها و توجمانها را

دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی در تبریز احکام صادر شده برای فعالین کارگری و دانشجویی تبریز را تأیید کرد



ساسان واهبی و ش

نیما پور یعقوب

محمد جراحی

شاهرخ زمانی

پوریعقوب و ساسان واهبی و ش همه کارگران زندانی و زندانبان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

تهاجم به فعالین کارگری و صدور احکام سنگین زندان برای آنان باید با اعتراض وسیع و گسترده پاسخ گیرد.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۳۰ آبان ۱۳۹۰، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱

Shahla.daneshfar@yahoo.com
Bahram.Sorouh@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

انگشت اتهام بسوی جمهوری اسلامی ...

از صفحه ۱

دهندگان باشد. دولت آذربایجان که دو سال رفیق تقی و سردبیر نشریه صنعت را به دلیل چاپ يك مقاله انتقادی به زندان انداخت، باید فوراً به موضوع ترور و سو قصد بجان رفیق تقی رسیدگی کرده و اعلام کند چه کسانی و به دستور کدام عوامل و کدام دولت بجان رفیق تقی سو قصد کردند. حکومت اسلامی ایران حکومت ترور و بستن دهانها است و دستهای خونین خود را تا کشورهای دیگر نیز دراز میکند. در پرونده این حکومت ترور صدها نفر منتقد اسلام و مخالف حکومت اسلامی به ثبت رسیده است، خانواده رفیق تقی و همه دوستان و طرفداران او به درست خواهان شناسایی عاملین و آمرین این حمله تروریستی هستند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۲ نوامبر ۲۰۱۱

اکنون از آذربایجان خبر میرسد که رفیق تقی در جریان يك سو قصد شدت زخمی شده است. ضارب قصد داشته با چاقو به قلب او بزند که بطور اتفاقی چاقو به کتابی که او زیر بغل داشته اصابت کرده، ولی ضارب شش ضربه دیگر به بدن رفیق تقی زده است. او اکنون در بیمارستان شماره يك باکو بستری است و به هوش آمده است اما گفته میشود هنوز حال او رضایت بخش نیست.

مقامات دولت آذربایجان تا امروز سه شنبه ۲۲ نوامبر در مورد این ترور عکس العمل نشان نداده و اظهارنظری نکرده اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام اقدام تروریستی علیه نویسنده منتقد آذربایجانی را بشدت محکوم میکند و معتقد است به درست انگشت اتهام باید بسوی فتوا

بنا بر اخبار منتشر شده شعبه ۶ دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی طی تصمیمی جنایتکارانه احکام صادره توسط شعبه يكم دادگاه انقلاب اسلامی در شهر تبریز برای فعالان کارگری و دانشجویی این شهر را مورد تأیید قرار داد. بدین ترتیب شاهرخ زمان به ۱۱ سال، محمد جراحی به ۵ سال، نیما پور یعقوب به ۶ سال و ساسان واهبی و ش به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

در اطلاعیه های قبلی گزارش داده بودیم که این چهار نفر و سید بیوک سیدلر روز ۱۸ خرداد ۱۳۹۰ بازداشت و بیش از يك ماه در سلول های انفرادی بودند. سپس این افراد در روز ۲۷ مرداد در شعبه يك

دولت آذربایجان رفیق تقی و همچنین سردبیر روزنامه صنعت سامیر صداقت اوغلو را دستگیر کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام در سال ۲۰۰۶ با انتشار اطلاعیه هایی و اعلام يك کمپین از رفیق تقی و سامیر صداقت اوغلو دفاع کرد و اعلام کرد که نقد به مذاهب و اسلام يك حق بدیهی انسانی است و هیچ حکومتی اجازه ندارد فرمان قتل منتقدین را داده و یا نویسندگان و منتقدین به اسلام را دستگیر کند. مقامات حکومت اسلامی در آن مقطع، فعالانه برای دستگیری رفیق تقی و حتی سر به نیست کردن او تلاش میکردند.

رفیق تقی و سامیر صداقت اوغلو در آذربایجان دستگیر شدند و به چند سال حبس محکوم شدند، آنها بعد از دو سال از زندان آزاد شدند.

شدن از آن تصمیم بگیرند. اجازه بدهید صحبتیم را با این جمله تمام کنم که موطن آدمی را در هیچ نقشه ای نشانی نیست. موطن آدمی در قلب کسانی است که دوستش میدارند.

ما جامعه ای میخواهیم که در آن هیچ حکومت و هیچ نهادی به نام هیچ مقدساتی حق ندارد به مردم بگوید چگونه فکر کنند، چه مذهبی داشته باشند، چه جور لباس بپوشند و به چه زبانی حرف بزنند. و روشن است که فقط در چنین شرایطی سم مذهب و زن ستیزی و قوم پرستی دیگر جایی برای مسموم کردن هیچ بخشی از مردم را نخواهد داشت.*

۱۹ نوامبر ۲۰۱۱
آبان ۱۳۹۰

توضیح سخنران:

این مطلب، متن سخنرانی در جلسه ای است که در تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱ (۲۸ آبان ۱۳۹۰) در پالتاک در اتاق آیران، گفتمان سیاسی نیروهای دموکراتیک و انقلابی برگزار شد. سخنرانان این جلسه، مینا احدی (سخننگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار و عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، دکتر ضیا صدرالاشرفی (نماینده و سخننگوی کنگره ملیتهای ایران فدرال) و محسن ابراهیمی (عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و سردبیر نشریه کمونیسم کارگری، نشریه تئوریک سیاسی حزب) بودند. این جلسه با استقبال وسیع مواجه شد. بحثهای شفاهی این جلسه از طریق اینترنت در دسترس خواهد بود.

این متن سخنرانی نویسنده است که در جلسه مذکور ارائه شد. فقط در جریان ارائه شفاهی، اینجا و آنجا نکات مختصری اضافه شد.

میبینم. همچنانکه در چهره داریوش همایونها و آریا پرستان رنگارنگ چهره فاشیسم هیتلری را میبینم. اینها برای سعادت و آرامش بشر امروز سم هستند.

راه حل حزب برای رفع ستم ملی

راه حل حزب کمونیست کارگری، ۱۷ سال پیش به صراحت در برنامه اش اعلام شده است.

برای حزب ما برابری انسانها يك مفهوم محوری است. ما در مقابل هر نوع مقدسات چه مذهبی و چه قومی که برابری انسانها را زیر سؤال میبرد و انسانها را بر اساس جنسیت و نژاد و مذهب و ملیت و غیره تقسیم میکند هستیم. حزب هویت ملی و مذهبی دادن به انسانها و بر این اساس بخشی از انسانها را برتر و بخش دیگر را پست اعلام کردن را تمایلات عقب مانده و سیاستهای ارتجاعی و مضر به حال بشر میداند.

حزب يك اصل عمومی دارد: خواهان زندگی مردم منتسب به ملیتهای مختلف به عنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق است.

در عین حال، در هر موردی که سابقه ستم ملی و تخاصمات میان مردم منتسب به ملیتهای مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوبهای کشوری موجود را دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آرای خود آن مردم را به رسمیت میشناسد. از نظر حزب در چنین شرایطی هیچ نیرویی حق ندارد با توسل به زور و اسلحه و قشون مردمی را به ماندن مجبور کند یا مجبور کند جدا شوند. این خود مردم هستند که باید در شرایط کاملاً آزاد به ماندن در يك چهارچوب وسیعتر جغرافیایی به عنوان شهروندان با حقوق برابر یا جدا

از صفحه ۱ تهدیدات جنگی و ...

عبدل گلپریان: این اولین بار نیست که احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد با مسئله حمله نظامی آمریکا به ایران چرتشان پاره می شود. در سالهای قبل و در دوران بوش که مسئله حمله نظامی داغتر بود، این جریانات در دالانهای ادارات وابسته به دولت آمریکا و در صف انتظار برای ملاقات با کارمندان درجه چندم کاخ سفید و پنتاگون لحظه شماری می کردند اما این بار چنین شانسی برای ایستادن در صف انتظار نیست. به این مسئله باز میگردم. اما اینکه اینها راه سرنگونی رژیم اسلامی را تنها با امید به حمله نظامی آمریکا می بینند شاید اطلاق درستی نباشد چون بدون سرنگونی رژیم اسلامی هم این نیروها می توانند به خواستههایشان برسند و بارها با مقامات رژیم و برای مصالحه مذاکرات و نشستهایی داشته اند. جنگ اخیر رژیم با جریانی چون پژاک و سپس مصالحه و همکاری و توافق رژیم اسلامی با آنها نمونه تیپیکتی از ماهیت این جریانات است. سرنگونی طلبی این جریانات را نمی توان مترادف با سرنگونی ۷۰ میلیون انسان در آن مملکت قرارداد. اینها به نرخ روز نان می خورند. اگر حکومت اسلامی کمترین امتیازی بهشان بدهد حاضرند سالها برایش خدمت کنند. این احزاب و جریانات چیزی بیشتر از سهیم شدن در قدرت را ندارند. به هر کدامشان کدخدایی چند روستا را بدهند با رژیم مشکلی ندارند. اما احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد امروز دیگر خاصیت خود را از دست داده اند. وقتی که جنبشهای رادیکال، چپ و کارگری میدان دار عرصه مبارزه برای خلاصی از فقر و بردگی باشند که هستند، احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد و غیر کرد زائده هایی بیش نیستند و بی ربط تر از هر زمانی جلوه خواهند کرد.

بعث و صدام حسین، احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق مورد حمایت آمریکا قرار گرفتند و با کمکهای نظامی و مالی آمریکا به نیروی پیاده نظامش تبدیل و سپس به قدرت رانده شدند. از آن مقطع به بعد نیروها و احزاب ناسیونالیست کرد اپوزیسیون رژیم اسلامی که در خاک عراق مستقر هستند آب از لب و لوجه شان سرازیر شد و مدام خواب حمله نظامی آمریکا به ایران را می دیدند تا بلکه بر بستریک فاجعه انسانی و خلق شدن یک سناریوی سیاه در ایران، آنها نیز به آرزوهای دیرینه خود برسند. اکنون هم همین امید را دارند. همانطور که گفتم با دست بالا پیدا کردن چپ و کمونیسم در کردستان و عروج اجتماعی این رادیکالیسم، تاریخ مصرف این جریانات هم بتدریج خاصیت خود را از دست داده است و امید بستن به خواست و مطالبات رادیکال و انسانی مردم در قاموس افق و اهداف این جریانات نمی گنجد در نتیجه تنها راه اینها برای دستیابی به نان و نوبی این است که بر بستر یک سناریوی سیاه موقعیتی برای خود دست و پا کنند. دست بالا پیدا کردن و نفوذ و گسترش هر چه بیشتر رادیکالیسم، آزادیخواهی و آرمانهای انسانی، خلق شدن چنین سناریوی سیاهی را هم مشکل ساخته است. از این رو است که تنها امید دست یافتن شان برای گرفتن سهمی در قدرت، همین حمله نظامی به ایران و بکار گرفتنشان بعنوان کانگسترهای محلی در شرایط جنگی است. بجز این راه و شانس دیگری ندارند. افق و اهداف این احزاب همانطور که گفتم با خواست و مطالبات مردم و کارگران و صف آزادیخواهی و انسانیت در تناقض قرار دارد. احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد هنوز طرفدار مجازات اعدام هستند. در برنامه این نیروها سخنی از لغو مجازات اعدام نیست، با آزادی بی قید و شرط سیاسی مشکل دارند، شوراها و شوراهای مردم و شوراهای کارگری را برسمیت نمی شناسند، همچنان پخش اذان، آیات قرآن و دیگر رسومات مذهبی و اسلامی زینت بخش برنامه هایشان است. انجمن

ملایان یکی از طرحهایشان در سال گذشته برای ملحق شدن به جریانات دوم خردادی رانده شده از حکومت بود. با چنین اهداف، افق و سیاستهای به بن بست رسیده ای قطعاً قادر نیستند از حرکت اعتراضی و انقلابی مردم که همه این بساط را می خواهد برچینند حمایت کنند. بر بستر چنین اوضاع و شرایطی است که نفع خود را در تبدیل شدن به نیروی پیاده نظام سربازان آمریکایی و در پرتو یک حمله نظامی جستجو می کنند. اما برگردم به اینکه چرا حالا شانسی برای تحقق امیال و اهدافشان در پرتو تهدیدات جنگی کنونی ندارند. فاکتورهای متعددی طی سه چهار سال اخیر و بویژه در یکسال اخیر وارد معادلات اوضاع و احوال جهانی در دوره حاضر شده و تغییر کرده است. طبعاً اوضاع سیاسی بشدت متحول کنونی بر اهداف و سیاستهایشان تاثیر می گذارد و روند اوضاع جهانی و منطقه ای بر وفق مراد این جریانات سیر نکرده است. یکی از این فاکتورها اوضاع سیاسی در ابعاد جهانی و انقلابات در شمال آفریقا و کشورهای عربی و کلا حرکتهای اعتراضی رادیکال در سطح جهان است. حتی نسیم این انقلابات جریانات و احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق را هم بی نصیب نکرد و بمدت چند ماه حرکتهای اعتراضی مردم آزادیخواه شهرهای کردستان عراق، حکومت محلی همجنس آنان در کردستان عراق را با چالش عظیم روبرو ساخت. از بهار سال جاری تاکنون انقلابات در تونس، مصر، لیبی که منجر به سرنگون ساختن دیکتاتورهای مادام العمر شد و تداوم این انقلابات در سوریه و یمن، تلاش احزاب و نیروهایی را که تنها امیدشان مصالحه و سازش از بالا است را با بحران و بن بست مواجه کرده است. بحران اقتصادی و بن بست سیاستهای آمریکا و غرب نیز مزید بر علت هرچه بیشتر افق رسیدن این نیروها به اهدافشان را بسته تر کرده است.

حسام یوسفی: این احزاب در جریان حرکتهای انقلابی و اعتراضی مردم در ایران و کردستان ایران چه نقش و جایگاهی داشته و دارند؟

عبدل گلپریان: بنا به آنچه که

در پاسخ به سوال قبلی توضیح دادم باید گفت که نقش این احزاب در جریان حرکتهای اعتراضی مردم نقشی بازدارنده بوده و هست. در دوران بقدرت رسیدن حکومت اسلامی با تمام توان از خمینی و حکومت اسلامی حمایت کردند و در مقابل خواست مردم ایستادند. در مقطع حرکت انقلابی مردم در سال ۸۸ نقش این احزاب بطور مشخص حزب دمکرات این بود که با جناح رانده شده از حکومت وصلت کند. انجمن ملایان را در کردستان می خواستند راه اندازی کنند تا بلکه بتوانند نزد هر کدام از جناحهای رژیم برای خود مقبولیتی پیدا کنند. اگر تاریخ فعالیت احزاب ناسیونالیست کرد چه در ایران و چه در عراق را ورق بزیند خواهید دید که این جریانات تمام تلاششان این بوده که در جریان مصالحه و سازش از بالای سر مردم چیزی عایدشان بشود. حزب دمکرات کردستان ایران برای تحقق این اهداف از ابتدای موجودیتش تا به امروز حتی تنی چند از رهبران خود را قربانی سیاست مصالحه و سازش کرد. در ابتدای بقدرت رسیدن حکومت اسلامی اینها تلاش میکردند که با حکومت به توافق برسند به این امید که با کسب موقعیتی سهمی عایدشان بشود. اتکا به مردم و پیروی از خواست و مطالبات آزادیخواهانه و انسانی مردم نزد این جریانات موضوعیت ندارد چون با اهداف و سیاستهایشان جور در نمی آید.

حسام یوسفی: اخیراً جناح

عبدالله مهتدی و بخشی از جناح عمر ایلخانی زاده که چند سال پیش به دلیل اختلافاتشان از هم جدا شده بودند دوباره با هم دیگر متحد شدند. عبدالله مهتدی در اطلاعیه ای از همه احزاب ناسیونالیست کرد خواسته است که جنبه متحدی را برای نجات کردستان تشکیل دهند. از سوی دیگر هم هر دو حزب دموکرات که بعد از کنگره ۱۳ از هم جدا شده بودند برای متحد شدن دوباره فراخوان هایی داده اند. در صورت چنین اتحادی در میان جریانات قومپرست چقدر این احتمال وجود دارد که در آینده بتوانند در کردستان ایران وزنه ای باشند و اگر قدرتی در دست داشته باشند چه سرنوشتی در انتظار مردم کردستان

است؟

عبدل گلپریان: این جناحهای

چندگانه را می شود در یک کاناگوری قرار داد. بی گمان با بوش کشیدن مسئله تهدیدات جنگی آمریکا این احزاب نیز به صرافت این افتاده اند که دستی به سر و روی خود بکشند. تحلیلشان این است که با بروز یک حمله نظامی و برای اینکه روی آنها حساب باز کنند باید ژست جبهه متحد بخود بگیرند و گرنه کلاهشان پس معرکه است. علاوه بر این ایجاد جبهه متحد در میان احزاب ناسیونالیست کرد فارغ از هر گونه تهدیدات و ملیتارسم جنگی، اتحاد و یا انشعاب این احزاب قرا نیست موجب تغییر یا دگرگونی خاصی در زندگی مردم شود. افق، اهداف و سیاستهایشان در پایه ای ترین سطح با هم یکی است. حال اگر ده حزب و سازمان باشند یا اینکه همگی متحد شوند. فعل و انفعالات سازمانی اینها، دعوای و سنگر بندی کردنیهایشان در مقابل هم ربطی به منافع مردم نداشته است. تمام دعواییشان بر سر موقعیت، مقام، قدرت، پول و در یک کلام به بن بست رسیدن افق و سیاستهایشان است. تاریخ انشعاباتشان همین را به ما می گوید. کشیدن اسلحه و چاقو بروی همدیگر بخشی از تاریخ فعالیت آنهاست. حال فرض کنید برای مدتی هم بر سر مردم حاکم شوند، معلوم است همان بلایی را بر سر مردم می آورند که اکنون دارند با همدیگر انجام می دهند. همان کاری را خواهند کرد که ۲۰ سال است احزاب ناسیونالیست عشیره ای بارزانی و طالبانی بر سر مردم کردستان عراق آورده اند. در چند ماه گذشته همین احزاب حاکم در کردستان عراق مردم و جوانان معترض را که خواهان تحقق مطالباتشان بودند به گلوله بستند. کارنامه ۲۰ ساله حکومت محلی کردستان عراق گویای همه چیز است و در حالی که مردم مبارز و آزادیخواه کردستان عراق خواهان کنار زدن احزاب و جریانات ناسیونالیست و اسلامی در کردستان عراق هستند، کاملاً روشن است که مردم شهرهای کردستان ایران قرار نیست تجربه مردم کردستان عراق را از سر بگذرانند بلکه برعکس عملکرد احزاب ناسیونالیست و

اخبار هفته

گزارشی از وضعیت کارخانه مواد شوینده و بهداشتی اشک و کارگران آن در سنج

کارخانه اشک در استان کردستان دارای سه شعبه است. شعبه یک در شهرک صنعتی شماره یک سنج، شعبه دو واقع در جاده سنج-دهگلان جنب کارخانه کاشی کسری و سومین آن در جاده سنج-کامیاران قرار دارد. هم اکنون شعبات یک و دو فعال هستند و شعبه سه تعطیل است. طبق گزارشی که به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ارسال شده است، شعبه یک دارای ۴۵ کارگر است که به طور یک شیفته از ساعت ۸ صبح تا ۵ عصر با یک ساعت زمان صرف ناهار کار می کنند. این کارگران با قراردادهای سفید امضاء یک ماهه و با حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار، بدون برخورداری از سرویس ایاب و ذهاب و ناهار مشغول کارند، که ماهانه بخشی از حقوق ناچیزشان صرف ایاب و ذهاب به کارخانه می شود. بخشی از کارگران این کارخانه ۳ ماه و بخش دیگر ۵ ماه حقوق معوقه دارند، علاوه بر این هر دو بخش از کارگران، یکی ۶ ماه و دیگری ۷ ماه مزایای نیاز کارفرما طلب دارند. به همین خاطر حدود ۲۰ روز قبل با خواستهای، پرداخت حقوقها و مزایای معوقه و همچنین امکان اضافه کاری برای جبران پایین بودن دستمزد، به مدت ۳ روز اعتصاب کرده اند، که با وعده های کارفرما قبول می کنند تا به اعتصاب خود پایان دهند ولی تا ۴ روز بعد از اعلام پایان اعتصاب کارخانه را به صورت نیمه فعال در آورده بودند. در زمان اعتصاب، دو نفر از نمایندگان کارگران نزد دکتر نوری صاحب کارخانه می روند تا در مورد خواستهایشان با وی مذاکره کنند، ولی مذاکره نمایندگان با کارفرما نتیجه ای برای کارگران به دنبال نداشته است. در ادامه اعتصاب، نوری مجبور می شود

کار در چیست؟

عبد گلپریان: به نظر من

نیازی نیست که برای تشخیص تفاوتهای اینها وقت صرف کرد چون اولاً تفاوت و اختلافی در افق، اهداف و سیاستهایشان وجود ندارد. و همانطور که قبلاً هم اشاره کردم اختلافات اینها بر سر موقعیت، مقام، پول و قدرت است. هر وقت هم ضرورت تقسیم غنایم و پستهای ایجاب کند فراخوان اتحاد می دهند و یکی می شوند. انتخاب نام کومه له هم بخاطر اعتبار و محبوبیتی است که در دهه اول فعالیت علنی کومه له بر جای ماند. در آن دوران کومه له تنها جریان محبوب و با نفوذ در میان مردم و کارگران بود. این محبوبیت هم تنها بخاطر اهداف و سیاستهای کمونیستی، چپ و رادیکال کومه له بود که صف آزادیخواهی سوسیالیسم و کمونیسم و خواست و مطالبات برحق مردم و کارگران را نمایندگی می کرد. افق و اهداف، سیاست و فعالیتهای آن دوران کومه له اکنون نه تنها نزد اینها موضوعیت ندارد بلکه درست علیه تاریخ آن دوره هستند. قبل از انشعابات و در همان اوایل حضورشان در حزب کمونیست ایران، گرایش ناسیونالیستی در درون این حزب بودند. با فروپاشی بلوک شرق و حمله بورژوازی نظم نوین جهانی به کمونیسم، اینها هم پریال گرفتند. مصادره اسم کومه له تنها بخاطر محبوبیت تاریخی این نام در میان مردم بوده است. شهامت و جسارت این را ندارند که روی پای خودشان و با انتخاب اسامی دیگری عرض اندام کنند. خواستند با مصادره و آویزان شدن به نام کومه له از ذوب شدن خود جلوگیری کنند. احزاب و جریانات منشعب از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران را حتی نمی شود ناسیونالیستی خواند. ناسیونالیست خواندن این جریانات ارفاق به آنهاست. اینها جریانات قوم پرستی هستند که اگر اوضاع بر وفق مرادشان پیش برود به جامعه خون می باشند. ظرفیت مخرب و ویرانگر احزاب قومی را باید مدام به جامعه گوشزد کرد و شناساند.

کارگران شرکت پرهون طرح، فعالیت شرکت را به طور کلی متوقف کردند

بنابر خبر رسیده به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران شرکت پرهون طرح در نیروگاه سیکل ترکیبی سنج بعد دو روز اعتصاب در محل کار، با هماهنگی ای کرده بودند روز پنجشنبه در خانه مانده و قرار است فردا نیز همچنان از رفتن به محل کار خودداری کنند. بر اساس این خبر امروز به علت عدم حضور یکپارچه کارگران در محل کار، شرکت کاملاً به تعطیلی کشیده شده است. روز چهارشنبه کارگران به دنبال اینکه مدیران شرکت مینا (پیمانکار اصلی) وعده پرداخت حقوقها را تا شنبه داده بودند اعلام کرده اند که تا روز شنبه در منزل خواهند ماند. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۲۶/۸/۱۳۹۰

به کارخانه برود و خطاب به کارگران در حال اعتصاب می گوید چون فروش کم است و مواد اولیه نیز باید خریداری شود، فعلاً هیچ پولی برای شما موجود نیست، قول می دهم هر وقت فروش رونق بگیرد هم حقوقتان را پرداخت کنم و هم اجازه اضافه کاری بدهم. کارگران که به این ترتیب به هیچ یک از مطالباتشان نرسیده اند، باهم قرار گذاشته اند در صورتی که تا پایان آبان حقوقهایشان پرداخت نشود، اعتصاب خود را از سر بگیرند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۲۱/۸/۱۳۹۰

اعتصاب کارگران شرکت پرهون طرح

طبق گزارش ارسالی به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران شرکت پرهون طرح در نیروگاه سیکل ترکیبی سنج از سه شنبه ۲۴ آبان برای گرفتن ۴ ماه حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زده و امروز نیز ادامه داشته است. تعداد کارگران اعتصابی ۵۰ نفر گزارش گردیده و بنابر همین گزارش، به دستور کارفرما به منظور ترساندن کارگران به ۱۰ نفر از آنان برگه تسویه حساب داده شده و اعلام کرده اند کسانی که می خواهند به همین روال کار کنند، به سر کار بروند و آنهایی که نمی خواهند کار کنند روز شنبه تسویه کنند. کارگران متحدانه اعلام کرده اند که تا گرفتن حقوقهایشان همچنان به اعتصاب ادامه خواهند. لازم به ذکر است که هفته گذشته نیز کارفرمای شرکت نتن پارسیان از شرکتهای پیمانکاری فعال در نیروگاه سیکل ترکیبی، به کارگرانی که برای گرفتن حقوقهای معوقه خود اعتصاب کرده بودند، گفته بود هرکسی می خواهد کار کند و هر کسی نمی خواهد تسویه کند ولی به علت خراب بودن وضع مالی مملکت تا ماهها بعد خبری از پول نیست.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۲۵/۸/۱۳۹۰

پانزده نفر از کارگران شرکت پرهون طرح اخراج شدند

بنابر خبر ارسالی به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، امروز شنبه ۲۸ آبان ۹۰ شرکت پرهون طرح در نیروگاه سیکل ترکیبی سنج بعد از ۲ روز اعتصاب و ۲ نفر از آنان را مانع کارگران، ۱۵ نفر از آنان را اخراج نمود. در دومین روز از اعتصاب کارگران، امور اداری شرکت برگه تسویه حساب را به ۱۵ نفری که امروز اخراج شده اند، داده بود. و همان موقع کارفرما گفته بود تا شنبه حقوقهای معوقه را پرداخت خواهد کرد. اما امروز کارگران اطلاع یافتند که فقط حقوق مرداد به حسابشان واریز شده است. طبق این خبر کارگران اخراجی هنوز برگه تسویه را امضاء نکرده و خواهان پرداخت حقوقهایشان هستند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۲۸/۸/۱۳۹۰

از صفحه ۱ جنبش دفاع از علیا ماجده ...



این دختر جوان خود را آتنیست، فمینیست، آزادیخواه و انقلابی معرفی میکند. علیا میگوید با این کار علیه سکسیسم، مردسالاری، راسیسم و حذف زنان از جامعه علیه حجاب اسلامی و علیه کل فرهنگ اسلامی مبارزه میکند. دوست پسر علیا ویلاگ نویسنده مشهور مصری کریم عامر است. عامر چهار سال در زمان مبارک بدلیل ویلاگ نویسی و افشاگری به زندان محکوم شده بود و علیا برای آزادی او میجنگید. کریم عامر در روزهای قبل از اوج گرفتن جنبش در مصر از زندان آزاد شد و یک چهره مهم در جنبش اعتراضی جوانان و مردم مصر علیه حکومت دیکتاتوری مبارک بود.

کریم عامر میگوید تا آخرین لحظه در کنار علیا خواهد ماند و از این حرکت او دفاع میکنند. او میگوید علیا یک دختر قوی، مستقل و با اراده است و این تصمیم شخصی او بوده است و من در کنار او خواهم ماند.

علیا میگوید از ۱۶ سالگی از مذهب اسلام خارج شده و اعتقادی به دین و مذهب ندارد.

اما اهمیت این اقدام جسورانه علیا ماجده المهدی فقط در تابو شکنی فرهنگی نیست این اقدام او امروز یک حرکت سیاسی بسیار مهم در مصر و همه کشورهای اسلام زده است و باید همه آزادیخواهان، همه مدافعین حقوق انسانی و مدافعین حقوق زن و همه مخالفین جنبش اسلامی و اسلام سیاسی اینرا درک کنند و دفاع از او و اقدام مهمش را وظیفه خود بدانند.

در یکی از عکسها علیا در حالیکه برهنه ایستاده است، یک روسری را زیر پای خود قرار داده و آنرا لگد کرده است. او در ویلاگش در پاسخ به کسانی که به او حمله

میکند، میگوید: من به کسی توهین نکرده ام، من به یک تکه پارچه توهین میکنم که نمود بردگی زنان است.

بیش از سه دهه است که تن و بدن زنان و خط زدن حضور و چهره زن در جامعه و تحمیل حجاب به زن، به یک امر سیاسی مهم برای جنبش اسلامی تبدیل شده است. جنبشی که برای قدرت گرفتن له له میزند و برای حفظ قدرت با اجازه خدا و پیغمبر به هر جنایت و ردالتی که در مخیله بشر نمی گنجد دست میزند.

نمونه بارز و آشکار این موضوع حکومت طالبان در افغانستان و حکومت اسلامی در ایران است که داعیه رهبری "جهان اسلام" را دارند. جنبش اسلامی با تحمیل حجاب به زنان به هر قیمت، پایه های حاکمیت خود را در جوامع تثبیت میکنند و برای به قدرت رسیدن در هر جایی اول باید زنان را شکست بدهد. بی دلیل نیست که در مصر و تونس و ... توجه ها به حجاب زنان جلب شده و اسلامیهها و کل جریانات بورژوازی تقلا میکنند که انقلابی را که هدفش آزادی، رفاه و برابری بود پس بزنند و اولین حملات علیه زنان را سازمان میدهند و از این طریق سعی میکنند پیشروی کنند. اقدام علیا پاسخی به این توحش اسلامی است.

با انتشار علنی عکسهای علیا در ویلاگ شخصی اش، به یکباره یک بمب سیاسی و تابو شکنانه در مرکز ارتجاع اسلامی منفجر شد. در عین حال این حرکت موجی از همبستگی و شور و شوق را در دنیا به راه انداخت. ویلاگ او اکنون از هر سائیتی در دنیای عرب پر بیننده تر است. اکنون در دنیا یک موج عظیم سنت شکنی و آزادی خواهی در دفاع از علیا راه افتاده است. هزاران دختر بویژه از کشورهای اسلام زده با

او ابراز همبستگی کرده و عکسهای برهنه خود و یا عکسهایی لخت از زنان دیگر را تحت عنوان "من علیا هستم" در سایتها و ویلاگها و صفحه فیسبوک و تویتر و... منتشر کرده اند.

ویلاگ علیا روزانه بیش از یک میلیون بیننده دارد. در همه رسانه های بین المللی در مورد این اقدام و این حرکت انقلابی او نوشته اند و توجه ها در همه جا به این موضوع جلب شده است. در بالای صفحه ویلاگش نوشته:

"مذکرات ثائرة" (بیادداشت های یک زن انقلابی) و در زیر عکس بزرگ خود و در پاسخ به کسانی که به او حمله میکنند، نوشته است، "نخست درباره زنانی که در آغاز دهه ۷۰ میلادی در دانشکده هنرهای زیبا به عنوان مدل در برابر نقاشان مرد لخت می شدند قضاوت کنید و کتاب های هنری را پنهان کرده، مجسمه های برهنه را بشکنید، سپس در برابر آینه لخت شوید و بدن های خود را که دادید تحقیر آمیز به آنها نگاه می کنید به آتش بکشید تا پیش از فرستادن اهانت هایی با مضمون تبعیض جنسی به من و نفی حق آزادی بیان من، برای همیشه از عقده های جنسی خود رها شوید."

علیا به جنگ جنبش اسلامی و فرهنگ زن ستیز اسلامی رفته است. اعلان جنگ علنی او علیه قدرت گرفتن سازمانهای رنگارنگ اسلامی در مصر و تونس و در کشورهایی است که دیکتاتورها به همت مردم به زیر کشیده شدند و اسلامیسیم به تکا پوی قبضه کردن قدرت افتاده است.

در مقابل این اقدام جسورانه علیا، دایناسورهای و تروریستهای اسلامی همه جا و بویژه در مصر به حرکت در آمده و خواهان ریختن خون علیای بیست ساله شده اند. اینها برای رسیدن به قدرت در مصر کفش و کلاه کرده اند و اکنون علیا با این حرکت جسورانه و انقلابی و زیر و روکننده و بسیار مهم به قلب آنها حمله کرده است و اسلامیهها که به چیزی جز قتل و فتوا و خون ریختن نمیتوانند تکیه کنند در مقابل او و در واقع در مقابل حقوق زنان و

سکولاریسم صف آرائی کرده اند.

این یک نبرد مهم و بسیار حیاتی در دفاع از آزادی بیان، در دفاع از حقوق انسانی زنان و علیه دخالت اسلام و مذهب در زندگی همه مردم است.

این یک حرکت انقلابی به تمام معنا و یک نبرد جسورانه با جنبش اسلامی است. ما زنان و مردان و مردم تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اهمیت و حیاتی بودن این حرکت را کاملاً درک میکنیم و از دنیا میخواهیم یکپارچه در مقابل جنبش اسلامی از علیا و حقوق زنان و سکولاریسم دفاع کند.

در برخی رسانه ها و سایتها، بحثهایی در مورد "رادیکالیسم بیش از حد" و یا "برده دری" بیش از حد و یا "اقدام نجسب و غیر ضروری" که گویا "اسلامیههای تند رو را تحریک میکند، به راه افتاده. گویا این حرکت جامعه را قطبی کرده و "سکولارها را به سوی اسلامیون سوق میدهد" و ممکنست برای "اسلامیهها رای بیشتر بیاورد....و غیره."

پاسخ ما به این طیف اسلامی و نیمه اسلامی و فرهنگ مردسالار این است که فرهنگ عقب مانده خودتان را به این شکل تبلیغ نکنید. شهادت داشته باشید مثل همان اسلامیههای "تندرو" حرف دلشان را بزنید تا جامعه چهره واقعی همه شما را در کنار اسلام سیاسی و ارتجاع محض اسلامی بطور عریان ببیند.

ما این جنبش و سنت عقب مانده و مودی را میشناسیم. همین تفکر و سنت عقب مانده اسلامی و نیمه اسلامی از ما زنان در ایران و افغانستان نیز میخواست که منتظر ظهور امام زاده اصلاحات به رهبری اسلامیههای "میانه رو" باشیم، همان کسانی که خاتمی را در ایران نماینده مدرنیسم معرفی کرده و از زنان میخواستند که ساکت باشند و به سیم آخر نزنند، اکنون وارد این جنگ شده و بجای دفاع از علیا و زنان و مردم آزاده در مصر، فرمان ایست و آتش بس میدهند. به اینها باید گفت کنار بروید تا ما نبرد نهایی را با این جنبش کثیف ضد زن، ضد انسانی و تروریست انجام دهیم. هر کس امروز از سکولاریسم حرف میزند باید از علیا دفاع کند.

اسلامیهها که موج وسیع دفاع از علیا را در دنیا شاهد هستند، آنها که دفاع جانانه زنان و جوانان در مصر و در تونس و لیبی و در همه دنیا از علیا را شاهدند، به لرزه افتاده و برای اعدام علیا امضا جمع میکنند. امنیت علیا و دوست پسرش کریم الان بسیار مهم است بهترین تضمین امنیت آنها حمایت گسترده جهانی و فشار به دولت نظامی مصر است.

برای جلوگیری از هر تعرضی به آنها اکنون که در آستانه ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان هستیم، همه ما از علیا و خواستههای او دفاع کرده و با دامن زدن به یک جنبش جهانی "ما همه علیا هستیم" عملاً از امنیت او دفاع خواهیم کرد.

ما زنان و مردان و جوانان از ایران که جنبش کثیف و جنایتکار و ضد انسانی اسلامی را می شناسیم، میدانیم که نبرد برای تحمیل حجاب و مقابله با زنان یک پرچم و یک ستون مهم جنبش اسلامی برای به قدرت رسیدن است و اکنون علیا در صدر مقابله با جنبش اسلامی ایستاده و سرنوشت این مبارزه در آینده مصر بسیار حیاتی خواهد بود. کسانی که فکر میکنند این فقط یک حرکت "رادیکال" و "تحریک کننده" یک جوان است و بزودی سپری خواهد شد و احتیاجی به دفاع از او نیست و یا باید او را و اسلامیهها را "آرام" کرد، شدیداً در اشتباه هستند. انقلابی که در مصر شروع شده است انقلاب مهمی است و باید کمک کنیم این انقلاب از پیشروی نایستد.

دفاع از علیا و جنبش جوانان در مصر برای آزادی و برابری و وظیفه همه ما است همه آتنیست ها، سوسیالیستها، سکولارها، فمینیستها، و آزادیخواهان و مخالفین جنبش اسلامی در همه جا.

زنده باد علیا ماجده المهدی و زنده باد زنان و مردانی که در دنیا بپاخاسته و از او دفاع میکنند. این مهمترین سنگر مقابله با اسلامیهها است.

مینا احدی

مریم نمازی

۱۸ نوامبر ۲۰۱۱

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

جشن بمناسبت بیستمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، سخنرانان حمید تقوایی و مینا احدی

www.wpiiran.org



بیائید با هم

بیستمین

سالگرد

تشکیل حزب

کمونیست

کارگری ایران را

جشن بگیریم!

سخنرانان:

حمید تقوایی

مینا احدی

سخنرانی

موزیک

رقص هنری

نمایشگاه عکس

سام

نوشتندگی

دیسکو

شنبه ۲۶ نوامبر

هوسبی ترف، از ساعت ۱۹-۲۳

استکهلم

برای اطلاعات بیشتر: ۰۷۰۷۴۲۲۵۴۷



هات برده ۸ فرکانس: ۱۱۶۰۴

اف ای سی: ۵/۶ شبکه KBC

پلاریزاسیون: افقی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

۹ و نیم تا
۱۱ و نیم شب
به وقت ایران

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!